



۲۷ نومبر ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

تذکر:

یکی از یادداشت‌های نامعهود قدیم را، که گویا در "ارشیف روز مبدا" قید شده بود، بنا بر لزوم دید، بیرون آورده و با آرایش و پیرایش لازم، تقدیم خوانندگان گرانقدر "آریانا افغانستان آنلاین" میکنم:
(همبورگ - ۲۶ نومبر ۲۰۱۹)

باید و بایست - شاید و شایسته



در زبان دری/فارسی در پهلوی مصادر بیشمار دیگر، دو مصدر از بسیار قدیم تا امروز مورد و موارد استعمال دارد؛ یکی "بایستن" و دیگری "شایستن". "بایستن" در معنای "لازم بودن" است و "شایستن" به معنای "سزاوار بودن". فرق بین استعمال قدیم و جدید این دو مصدر، فقط در "کلی و جزئی - بودن" ساحه استعمال آنهاست. در حالی، که در قدیم چند صد سال پیش، هم "بایستن" را و هم "شایستن" را برای تمام صیغه‌ها و در تمام زمانه‌ها تصریف و گردان میکردند، در روزگار ما ساحه تصریف و گردان این دو مصدر، فقط به چند صیغه معدود هرکدام، محدود مانده است. جهت تمثیل کلی مدعا بهتر است، استعمال هر دو را در قدیم و در زمان معاصر مورد مطالعه قرار بدهیم:

استعمال قدیم:

اگر متون متین منظوم و منثور دری/فارسی را از بهر مثال در ده قرن پیش مد نظر بگیریم، افعال "بایستن" و "شایستن" را در تمام صیغه‌ها بدین ترتیب گردان میکردند:
در زمانه حال/مضارع:

بایم، بایی، باید، بایتم، بانید، بایند

در زمان ماضی:

بایستم، بایستی، بایست، بایستیم، بایستید، بایستند

و مصدر "شایستن" را قرن‌ها پیش اینطور تصریف میکردند:

در حالت مضارع:

شایم، شایی، شاید، شایتم، شایید، شایند

در زمان گذشته:

وقتی حضرت سعدی شیرازی فرماید:

سر چشمه شاید گرفتن به بیل

چو پُر شد، نشاید گذشتن به پیل

"شاید" را در معنای قدیم آن؛ یعنی "شایسته است" استعمال کرده است، نه به مفهوم امروزی "شاید"، که معنای "احتمالاً" و یا "ممکن است" را دارد!!!

استعمال جدید:

در روزگار ما و در دری/فارسی امروز، از تمام صیغه‌های معمول قدیم این دو فعل:

– تنها و تنها "باید" و "شاید" باقی مانده است و بس و آن هم:

در حالی، که "باید" در مفهوم و مدلول و معنای اصیل و قدیم خود استعمال می‌گردد، "شاید" معنای خود را کاملاً تغییر داده است. چون "شاید" در معنای اصلی و قدیم خود، در معنای "سزاوار است" یا "زیبنده است" و یا "درخور است" می‌باشد. اما امروز "شاید" را به حیث "قید احتمال" و در معنای "احتمالاً" یا "محتملاً" یا "امکان دارد" و یا "ممکن است" و بالأخره با ترکیب "از امکان بعید نیست" و امثالهم استعمال می‌کنیم.

– و صفات "بایسته" و "شایسته"، که از ماضی مطلق "بایست" و "شایست" برخاسته اند.

باید ملتفت بود، که این چار کلمه باید حتماً با "یای مفتوح" و یا "یای زَبَر دار" تلفظ گردند. در عمل اما چنین نیست – لاقلاً در بین "دری‌زبانان" افغانستان. چون مامردم مثلاً کلمه "شایسته" را به کسر "ی" و یا با "یای مکسور" تلفظ می‌کنیم.

جفائی، که بر کلمه "بایست" میرود:

من می‌گویم، که ظلم و ستم و جفائی، که بر کلمه "بایست" میرود، خدا به دشمن ما و شما و به "بنی بشر" هم نشان ندهد!!! نویسنندگان افغان کلمه "بایست" را همیشه غلط استعمال می‌کنند و حتی با املای غلط مینویسند، بدین ترتیب:

– باید جداً و مؤکداً و شدیداً متوجه بود، که "باید" و "بایست" مُعادل هم نیستند و هرگز اجازه نداریم، آنها را به جای یکدیگر استعمال کنیم.

– "باید" فعل مضارع از "بایستن" است، در حالی، که "بایست" فعل ماضی این مصدر است. تناسب "باید" و "بایست" در حدّ تناسب "کُند" و "کرد" یا "رُود" و "رفت" و "شُود" و "شُد" و "سِنُود" و "سِنید" و "گُوید" و "گُفت" و ... را دارد و هیچ کس را ندیده ایم، که "کُند" را به عوض "کرد" استعمال نماید و یا "شود" را به جای "شُد" و یا "رُود" را به عوض "رفت" و "گُوید" را به جای "گُفت" و یا "رُند" را به عوض "زد"!!!

– بسا نویسنندگان افغان کلمه "بایست" را با املای "بانیست" مینویسند، که این حالت را دقیقاً نقطه مقابل "نور علی نور"^۲ میتوان قلمداد کرد؛ یعنی "ظلمت بالای ظلمت" یا "غلط اندر غلط" و یا "غلط مضاعف" و به حساب ریاضی "غلط به طاقت دو" و یا "غلط مربع"!!!

^۱ – هموطنان عزیزی، که هفتادساله و مسن تر از ان هستند، حتماً جشنهای استقلال کابل را به یاد دارند؛ و آن همه جمع و جوش و جوش و خروش و شادمانی و سروری را، که شهر خود را بر تمام شهر می‌گسترانید. در آن زمان جهت تشدید خوشی و انبساط مردم، از هنرمندان ممالک همجوار نیز دعوت میکردند، تا بیایند و با هنرنماییهای خود، ذوق و طبع مردم را بنوازند. خوب به یاد دارم، که از همسایه شمالی ما "تاجکستان"، هنرمند خوشنمایی به نام "شایسته ملاجانوا" نیز چندین بار به کابل آمده بود و از ورای "رادیو کابل" هم آوازش را پخش میکردند. در آن وقت در افغانستان فقط یک فرستنده رادیویی وجود داشت، که به نام "رادیو کابل" یاد می‌گردید؛ دیگر هیچ!!!

^۲ – "نور علی نور" در اصل خود مأخوذ از "نور علی نور" قرآن است؛ یعنی "روشنائی بالای روشنائی" یا "روشنی سر روشنی" و یا "نور بالای نور" و "نور سر نور".

– باید جداً بدانیم، که در زبان دری/فارسی امروز کلمه "بایست" محل و مجال و مورد استعمال دقیق ندارد، چون در روزگار ما فقط و فقط از "باید" کار میگیریم. و اگر احیاناً "بایست" را به کار میبریم، از آن هم مدلول و مفهوم و معنای "باید" را میگیریم. پس چه بهتر است، که دنبِ کلمه "بایست" را رها کرده و تنها و تنها به استعمال "باید" اکتفاء کنیم؛

همین بس و بر نبی صَلَوَات!!!



باید و بایست – شاید و شایسته

Maroofi_k_baayad_o_baayast_shaayad_o_shaayasta.pdf